

چالوی

دوفین گلشن ۱۷

پری های میهمانی ۱۳

# گریسل پری تزیینات



نویسنده: دیزی مدوز  
تصویرگر: جورجی ریپر  
مترجم: شادی دیری





۹

میهمانی برگزار میشود

۱۵

تزیینات جشن خراب میشوند

۲۹

نجات گریس

کریستی بنت که به آسمان آیی زده بود، گفت: «به نظرت

میهمان ناخوانده بیست؟ از این که قرار است تمام هشتاد و

۳۵

شبح خبیث گیر میافتد

۴۱

شبح خبیث بسته‌بندی میشود اگر با گل‌های مینا گردید

۴۷

شبح خبیث بسته‌بندی میشود اگر با گل‌های مینا گردید

میکرد، پول، بچه گربه‌ی سیاه و سفید او هم وسط چمن‌ها ریزبور

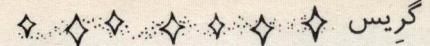
خوردشید لم داده بود و چرت میزد، کریستی یک گل بینا چید و



کریستی تیت که به آسمان آبی زلزده بود، گفت: «به نظرت امروز فوق العاده نیست؟ از این که قرار است تمام هفته را اینجا بمانی خیلی خوشحالم ریچل!»

کریستی روی چمن‌های حیاط پشتی خانه‌شان نشسته بود و همراه بهترین دوستش ریچل واکر با گل‌های مینا گردنبند درست می‌کرد. پرل، بچه گربه‌ی سیاه و سفید او هم وسط چمن‌ها زیر نور خورشید لم داده بود و چرت می‌زد. کریستی یک گل مینا چید و





میهمانی برگزار میشود

میکند؟ با این که باید در قصر یخی اش بماند، باز هم دست از آزار  
و اذیت دیگران برنداشته.»

ریچل جواب داد: «اگر این همه دردرس برای دیگران درست  
نمیکرد، او هم میتوانست به جشن هزارمین سالگرد سلطنت  
پادشاه و ملکه‌ی پریان بباید.»

دخترها به این جشن دعوت شده بودند و حسابی هیجان زده بودند  
تا این که فهمیدند جک فرات است هم تصمیم گرفته است برای خودش  
جشن بر پا کند. اشباح خبیث او جشن آدمها را به هم می‌ریختند تا  
پریان مهمانی مجبور شوند برای درست کردن اوضاع به جشن آدم-  
ها بیایند. آن وقت، اشباح بدجنس سعی می‌کردند کیف‌های مهمانی  
پریان را بدزدند و برای جشن جک فرات پیش او ببرند.

کریستی که داشت به گردنبندش یک گل مینای دیگر اضافه  
می‌کرد، گفت: «خب، تا اینجا که توانسته‌ایم کیف مهمانی چری  
پری کیک و ملودی پری موسیقی را صحیح و سالم  
برگردانیم. فقط باید حسابی چشم‌مان را باز نگه  
داریم.»



ریچل اضافه کرد: «و گوش‌مان را  
هم تیز کنیم.  
ناگهان از پشت بوته‌ها صدایی  
شنیده شد:  
- وا!



گفت: «می‌دانی ریچل؟! فکر می‌کنم امروز جان می‌دهد برای ...»  
ریچل که می‌دانست کریستی چه می‌خواهد بگوید، حرف او را  
قطع کرد و گفت: «یک مهمانی!»

کریستی با تکان دادن سرش نشان داد که درست می‌گوید. بعد  
اخمی کرد و گفت: «حتماً امروز برای خیلی‌ها مهم است. امیدوارم  
اشباح خبیث ترسناک جک فرات امروز را برای آن‌ها خراب نکنند.»

ریچل خیلی جدی گفت: «پری‌های مهمانی هر کاری می‌کنند تا  
این‌طور نشود. ما هم همین طور.»

ریچل و کریستی یک راز داشتند که هیچ انسانی در دنیا از آن خبر  
نداشت. آن‌ها بهترین دوستان پریان بودند! دخترها قبل‌به پری‌های  
رنگین کمان و پری‌های آب و هوا که جک فرات خیلی اذیت‌شان  
کرده بود، کمک کرده بودند. حالا نوبت پری‌های میهمانی بود.

کریستی گفت: «چرا جک فرات پیر، خوشی دیگران را خراب